

◄ نیم نگاه

شرایط حفظ آزادی

هرمز شریفیان

بدون شک می توان گفت که مردم استبداد زده تاکتون رنگ آزادی را به خود ندیده اند، زیرا به گفته یکی از صاحب‌نظران «هرگز نمی توان آزادی را از مردمی که مزه آن را چشیده باشند گرفت». پس از مشروطه آزادی های کم رنگی در سطح مطبوعات، سخنرانی ها و گردهمایی ها به وجود آمد که همگی در زمره آزادی های سیاسی بود. در آن هنگام از آزادی های اجتماعی که مقدم بر آزادی های سیاسی است خبری نبود و فقط برای نجبان و روشنفکران قابل لمس بود، پس نمی توان به درستی تاکید کرد که «آزادی» به معنای واقعی یا کمی شبیه به واقعی! از پس ابرهای استبداد رخ نمایانده باشد. وقتی که ارزش و مفهوم آزادی در جای جای جامعه ای پدیدار نشده باشد، پیداست که نگهداری آن معنایی پیدا نمی کند. اوضاع در هنگام نهضت ملی نفت با زمان مشروطه تفاوت های بسیار داشت؛ گردهمایی ها و راهپیمایی های چندین هزار نفری، اعتراضات و اعتصابات گسترده در پایتخت و شهرهای بزرگ و پایگاه مردمی پرچمدار این نهضت «مرحوم دکتر محمد مصدق» و صدالبته مهمترین حامی این نهضت یعنی جنبش دانشجویی. اما در این دوره نیز «آزادی» در حالی که آغوش خود را به روی ایران و ایرانی گشوده بود در چنگال اهریمن «عدم آگاهی سیاسی مردم» و توطئه قدرت ها از پای درآمد. آزادی موهبی است که تمام ملت های آزاد برای آن مبارزه و هزینه پرداخت کرده باشند!

در هر دوره ای، آزادی مانند کودک نورسیده ای بود که نیازمند آغوشی امن و گرم برای رشد و بالندگی بود، ولی باز صدافسوس که هر دسته و حزب و اندیشه ای آن را فرزند مشروع خود دانسته و فقط برای خود می خواست و با دست به دست شدن آن و تمامیت خواهی اکثر گروه ها که بدون هیچ هدف مشترکی پای در راه مبارزه گذارده بودند سرنوشتی غیر از نابودی نداشت.

حفظ و نگهداری آزادی تنها به صورت یکپارچه – با اهداف مشخص – و در مسیری که پیمودن آن برای تمام مردم با حداکثر اشتراک میسر باشد امکان پذیر است. بی تو ای آزادی، ای والااکلام، گر نباشی در میان، باید که از دنیا گریخت!

کتاب شناسی

تاریخ سیاسی و سازمان های ایران در عصر قاجار
محمود فاضلی : کتاب «تاریخ سیاسی و سازمان های ایران در عصر قاجار» نوشته غلامرضا وهرام در سال ۱۳۶۷ از سوی انتشارات معین

کتاب شناسی

انتشار یافته است.
عصر قاجار یکی از شگفت انگیز ترین دوره های تاریخی ایران است. تحولات مختلف، دگرگونی های سیاسی و تغییرات اجتماعی که در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری بر کشور گذشت ویژگی خاصی به ساخت اجتماعی ایران عصر قاجار داد. پژوهش در عصر قاجار ضرورت توجه به حیات اجتماعی و نظام حکومت ایران در چارچوب تحولات و تغییرات مختلف را نشان می دهد. این امر نهادهای اجتماعی، سازمان های اداری و تشکیلات حکومتی را شامل می شود. در پژوهش حاضر نیز کوشش شده است تا جایی که منابع و مآخذ در دسترس بوده، ضمن بررسی تاریخ تحولات اجتماعی مانند نقش مذهب و چگونگی حرکت های مذهبی– سیاسی، تغییرات تشکیلات اداری در چارچوب رویدادهای سیاسی و اقتصادی ایران عصر قاجار مورد پژوهش قرار گیرد. روند گسترش تاریخ قاجار، حکومت های عصر قاجار، سازمان های اداری، طبقات و سلسله مراتب اجتماعی آن، جنبش های اجتماعی در عصر قاجار و گسترش گروه ها و احزاب سیاسی در عصر قاجار از عناوین این کتاب ۴۹۲ صفحه ای است.

◄ زین دوره قاجار

کتاب «زن در دوره قاجار» نوشته بشری دلریش در سال ۱۳۷۵ از سوی «سازمان تبلیغات اسلامی» انتشار یافت. عصر قاجار، به ویژه دوره حکومت ناصرالدین شاه به تعبیر گروهی از مورخین به عصر بی خبری شهرت یافته است.

اما گروهی دیگر معتقدند ضعف و زبونی سیاسی و فرهنگی آن عصر که انعقاد قراردادهای سیاسی ننگین و تهدیدات روزافزون نظامی و نفوذ اعمال بیگانه نشانه های بارز آن است، ناشی از بی خبری نسبت به تفکرات جدید و فقدان اطلاع جامعه آن زمان از حقوق سیاسی– اجتماعی خود بوده است. از این نظر، گاه مسائل و مصائب زنان عصر قاجار نیز ناشی جهل آنان نسبت به حقوق اجتماعی خود در مقایسه با جوامع غربی و مدرن قلمداد می شود. دوره قاجار دوره گذر از غفلتی به غفلت دیگر بود. در این دوره وضعیت زنان و حقوق اجتماعی آنان نیز تابع شرایط فوق بوده است. نویسنده تلاش داشته است وضعیت زنان را در این دوره مورد بررسی موشکافانه ای قرار دهد. کتاب در شش فصل و با عنوانین «زن در خانواده، زنان قاجار و فعالیت های اقتصادی، زن در جامعه، فعالیت فرهنگی، زنان و حرکت های سیاسی، مذهبی و زن در دربار» در ۲۳۶ صفحه ارائه شده است.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir

گزارش سال ۱۳۰۸ در آغاز این سال، شورش

عشایر فارس گسترش یافت و

طایفه های بیشتری از عشایر به شورشیان پیوستند. زد و خورد میان نیروهای دولتی و عشایر شورشى در سراسر ایالت فارس درگرفت. امیرلشکر حبيب الله خان شیبانی که به سوى شیراز می رفت، ستون موتوریزه وی هنگام عبور از پل خان، مورد حمله قرار گرفت و جز زره پوش ها بقیه سلاح های نظامی ارتش به دست شورشیان افتاد. عشایر بختیاری نیز در خردادماه این سال، به شورشیان فارس پیوستند و علی مردان خان بختیاری جمعیتی به نام هیات اجتماعیه خوانین تشکیل داد و به سوى دهکرد حرکت کردند. شورشیان برای تصرف شیراز دست به حملات نظامی زدند و ایل دره شوری ارتفاعات مشرف به پل خان را در تیر سر خود قرار داد. شیخ ابوالحسن سرکوهی نیز با نیروهای تحت فرمان خود نیزیز را تصرف کرد. شهر لار نیز به تصرف زادخان از خوانین عشایر شورشى درآمد. همه جا سخن از شکست دولتیان و پیشروی شورشیان در میان بود و عده زیادی از نظامیان دولتی کشته و زخمی شدند. در این میان به دلیل کم کاری و سستی، سرتیپ محمدهسین فیروز فرمانده ستاد نیروی جنوب و سرتیپ

فضل الله زاهدی فرمانده امنیه کل مملکتی که به فارس رفته بود و نیز سرتیپ احمد نخجوان فرمانده نیروی هوایی تازه تاسیس از مشاغل خود برکنار و زندانی شدند. همچنین اکبر میرزا مسعود– صام الدوله – والی فارس از حکمرانی عزل و به تهران احضار شد و پس از رسیدن به تهران دستگیر و زندانی شد.

سرهنگ حبيب الله شهردار رئیس نظمیه فارس نیز از مجازات بی بهره نماند و از کار برکنار شد. سرانجام اینکه تمام روسای ادارات فارس از کار برکنار شدند.

برای جلوگیری از سرایت و پیشروی شورش، مصلحت دیده شد که وصول الدوله قشقای از زندان تهران آزاد شود و به شیراز برود. در همین هنگام شهر فسا به دست کاظم خان بهارلو و شهر دهکرد به دست شورشیان بختیاری سقوط کرد. سرانجام پس از آزادی صولت الدوله و با وعده وعید دولتیان از سویی و افتادن آتش نفاق و چنددستگی در میان شورشیان از سوی دیگر، شورش ایلات فارس و بختیاری در مردادماه این سال فرو نشست و اعلام غفو

وعده ها

پس از انقلاب مشروطه، دولت هایی آمدند که کفایت لازم را نداشتند و مردم را با وعده و وعید دلخوش می کردند، اما چندان به آرمان های مشروطیت وفادار نبودند. سیداشرف الدین گیلانی مدیر نسیم شمال در قالب طنز، این رویه های دولتمردان را به نقد و هجو می کشید. وی ضمن اشاره به وضع فقر و فلاکت طبقات محروم، وعده های توخالی دولتمردان را که به جای سیر کردن گرسنگان و گام عملی برداشتن، وعده وعید می دادند به تمسخر گرفته است.

■**صبر کن آرام جانم، صبر کن!**
بعد از این تهران گلستان می شود
در دکان ها نان فراوان می شود
گوشت های شیشک ارزان می شود
مشکلات از صبر آسان می شود
صبر کن آرام جانم، صبرکن!
غم مخور، سال دگر نان می خوری
میوه شیرین به شمران می خوری
گوسفند و مرغ پریان می خوری
در سر سفره فسنگنج می خوری
صبر کن آرام جانم، صبرکن!
■**بزرگ نمیر، بهار میاد**
گریه مکن عزیز من!
موسم نوبهار من!

بلیل مست نغمه میاد
بر سر شاخسار میاد
غله ز «خوار» می رسد
گندم شهریار میاد
بزرگ نمیر، بهار میاد
خریزه با خیار میاد
دخترک عزیز من،
از غم نان به سر مزن!
طفلک با تمیز من،
شعله به خشک و تر مزن!
طوطی اشک ریز من،
بر دل من شر مزن!
سال دگر برای تو
شوهر غمگسار میاد
بزرگ نمیر، بهار میاد
خریزه با خیار میاد
سال دگر به خوشدلی
نان و پنیر می خوری
گوشت، کباب ات کنی
دیزی سیر می خوری
روغن زرد می خوری
شربت و شیر می خوری
بر در خانه ات همی
خریزه بار بار میاد
بزرگ نمیر، بهار میاد/خریزه با خیار میاد

مشروطه صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۲۵

اعزام دانشجو به خارج، گشایش زندان قصر

حسین مرسل وند



عمومی شد. از رویدادهای مهم دیگر یکی هم دستگیری فیروز میرزا نصرت الدوله – پسر فرمانفرما– وزیر مالیه بود که به دست سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه انجام شد. وی بعدها محاکمه و به فساد مالی محکوم شد. در این سال وزارت پست و تلگراف ۱۵ دانشجو به اروپا فرستاد.

قانون مرور زمان و قانون استخدام ۱۲ نفر معلم از فرانسه برای دوره متوسطه به مدت سه سال نیز از دیگر مصوبات مجلس در این سال بود. همچنین قانون تابعیت ایران در ۱۵ ماده که دو اصل خاک و خود در آن رعایت

شده بود به تصویب مجلس مفسم رسید. در این سال همچنین ۸۲ دانشجو از طرف دولت و ۳۹ دانشجو از طرف وزارت فواید عامه برای تحصیلات عالی راهی اروپا شدند. نخستین کارخانه ریسندگی نیز به همت حاج رحیم آقا قزوینی در شهر قزوین آغاز به کار کرد. زندان قصر هم از پدیده های مدرنسم نوین بود که با حضور شاه و هیات دولت گشایش یافت!

این زندان که ۱۹۲ اتاق و گنجایش ۸۰۰ زندانی داشت

مجلس تقدیم شد تا از بحران اقتصادی پدیدآمده جلوگیری کند. بدین منظور همچنین صدور طلا و نقره از ایران ممنوع شد. هر مسافر می توانست حدود بیست تومان سکه نقره از کشور خارج کند. پل کارون در اهواز نیز که طول آن ۱۰۶۰ متر و بزرگترین پل ایران بود که قطار می توانست از روی آن عبور کند، در این سال مورد بهره برداری قرار گرفت. نخستین کلنگ بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری نیز در پایان این سال به زمین زده شد. لایحه تشکیل وزارت اقتصاد ملی و طرق و شوارع– وزارت راه بعدی – هم در این سال به مجلس رفت. در پایان این سال علی اکبر داور وزیر عدلیه طی لایحه ای که به مجلس تقدیم کرد، خواستار تعقیب و محاکمه فیروز میرزا نصرت الدوله– وزیر مالیه پیشین– شد. داور به موجب اصل ۲۵ و ۶۹ و ۷۰ متمم قانون اساسی و با توجه به قانون محاکمه وزرا مصوب تیرماه ۱۳۰۷ تقاضا کرد تا مجلس با محاکمه نصرت الدوله موافقت کند. وزیر مالیه پیشین متهم بود که در عقد قراردادی با ارباب علی آقا یزدی برای خرید ۵۰۰ کرباب جنس از طرف اداره اراراق عمومی از وی و حسن آقا امین الضرب رشوه دریافت کرده است.

این سال همچنین به لحاظ عقد قراردادهای بین السللی، برای ایران سال پرباری بود. قراردادهایی میان دولت ایران و بلژیک در مورد اقامت، تجارت و کشتیرانی امضا و مبادله شد. عهدنامه هایی نیز میان ایران و فرانسه منعقد شد. همچنین عهدنامه های بین ایران و سوئد – پس از لغو کاپیتولاسیون– در وزارت خارجه امضا و مبادله شد. قراردادی هم میان ایران و مصر به امضای دولتین طرفین رسید. قرارداد موثقی بین ایران و عراق و نیز عهدنامه مودت و همکاری بین دولت های ایران و نجد و حجاز نیز از قراردادهای مهم منطقه ای بود که امضا و مبادله شد. قرارداد حمایت ملایم تجاری و صنعتی و ثبت اختراعات بین ایران و آلمان نیز در این سال امضا و مبادله شد.

در آخرین ماه این سال، احشدها آخرین پادشاه خاندان قاجاریه که در نهم آبان ماه ۱۳۰۴ از سلطنت خلع شده بود، در سن ۳۲سالگی در پاریس درگذشت. وی که به بیماری کلوی دچار بود، چند سال آخر عمر را بیمار بود و در بستر گذراند. تشییع جنازه وی رسمی و تشریفاتی بود و پیکر وی به کرپلا حمل شد، اما هیچ یک از مقامات ایرانی در تشییع جنازه وی شرکت نکردند!

فروش مقام وزارت

به دست آورد و یا پنجاه هزار تومان بدهد و به استانبول برگردد. عین الدوله درخواست پرنس را برای مشیرالدوله فرستاد و نظریه او را خواست و این به آن معنی بود که اگر وزارت خارجه را می خواهی باید مبلغ یکصد هزار تومان را برای نگه داشتن این پست بدهی.

او نیز با تشویق پسرانش که به او گفته بودند: «اگر این پول را بدهی تا ارفع الدوله وزیر نشود نصف این پول را از خود ارفع که سفیر در استانبول است خواهیم گرفت» مشیرالدوله بالاخره این مبلغ را تهیه کرده و توسط فرزندانش مشیرالملک و موتمن الملک برای عین الدوله می فرستد.

عین الدوله از روی زیرکی فرزندان عین الدوله را بسیار مهربانی می کند و حتی سهم بیست هزار تومان خود از این پول را به آنها بر می گرداند. وقتی فرزندان جریان کار را برای پدر تعریف می کنند، مشیرالدوله می گوید: «او گمان اینقدر پول برای ما نداشت، حالا که به این آسانی ۸۰ هزار تومان از ما گرفت فردا بپناه دیگری می جوید و بعد از این یک شاهی هم صاحب نخواهد بود.»

به همین مناسبت کسی که وزیر خارجه عین الدوله بود ادامه حکومت عین الدوله را به حال منافع خود مضر می دید و البته به خاطر تشویق های پسرانش که مقداری آزادیخواهی در وجودشان بود به کمک مشروطه خواهان شتافت و برای درهم شکستن قدرت عین الدوله هزینه های بسیار کرد.

مهم ترین اتفاقات و مبارزه با استبداد

در ادامه نیز می افزاید: «سلطنت از هر قسمی که باشد از وصف استبداد بیرون نمی رود مگر آنکه تحت مراقبت شدید و محاسبه بی مسامحه باشد.»
کواکی ذیل عنوان استبداد با دین به رابطه این دو با هم می پردازد و تفسیری از دین را با استبداد «همکار یکدیگر» می خواند و اضمحلال یکی را دلیل بر نابودی دیگری.

کواکی در ارتباط استبداد و علم نیز سخنانی گفته است و مهم ترین آنها اینکه مستبد با علومی که به پیداری توده نینجامد کاری ندارد و به نشر آن نیز کمک می نماید و آن دسته از علم را که از نادانی برهاند ممنوع می کند و مردم باید به دنبال آن باشند تا از ستم رهایی یابند. وی همچنین استبداد را از بین برنده بزرگی و زاینده تملق و ذلت ایشان در فرمانبرداری کورکورانه می داند و به این خلدون خرده می گیرد که چرامرگ با عزت را به زندگی در ذلت برتری می دهد، مرگ در راه آزادی و آزادگی را طریق «امه اهل بیت (ع)» می داند و در نهایت کواکی رهایی از استبداد را در گرو آگاهی از حقوق اساسی و دانش سیاسی می داند و در آشنایی با حقوق متقابل مردم و حکومت، مساوات، عدالت، آزادی و از این دست. در پایان کواکی ملتی را مستحق آزادی می داند که اولاً اکثریت آن درد استبداد را احساس کرده باشند، دوماً در برابر استبداد به سختی مبارزه کنند و در نهایت تامل نمایند در مورد نظام جایگزین استبداد که امورشان به سهولت بگذرد.

سال سوم ■ شماره ۷۸۰ *شرق*

نگاه

زنان مشروطه طلب مدارس دخترانه

فخرالسادات محشمی پور: تا انقلاب مشروطه زنان، همان موجودات پرده نشین که سوره اشعار و گفتار طرز زمان خود بودند و بیش از آنکه کسی به فکر درمان دردهایشان باشد، شرح مصائبشان دستمایه نوشتار نویسندگان آن عهد بود، به عنوان سبب همه بدبختی ها و عقب ماندگی های جامعه معرفی می شدند و کم کم داشت خودشان هم باورشان می شد که مقصرند و مستوجب عذاب. در جریان شکل گیری انقلاب مشروطه این بخش فراموش شده جامعه ایران بیدار شد و به صحنه آمد. اسناد بازمانده آن دوران نشانگر حضور زنان در مقاطع مختلف انقلاب است. انقلابی که با درخواست عدالتخانه شروع شد و عموم زنان مشروطه خواه بدون آنکه به سهم خود از این عدالت بیندیشند در آن مشارکت فعال کردند. آنچه مهم بود مصالح عموم بود. بنابراین مبارزه با استبداد آرمانی شد که زن و مرد و پیر و جوان ایرانی را به دور یکدیگر جمع کرد و زنان پا به پای مردان در مسیر انقلاب حرکت کردند. هر جا که لازم بود زنان حاضر بودند، به خیابان آمدند، به مسجد رفتند، متحصن شدند، ندای اعتراضشان را بلند کردند، طلاهای را که برای روز مبادا اندوخته بودند فروختند و همه آن را پشتوانه حرکت عدالتخواهانه ملت کردند. خون جوانان خود را نثار کردند، اسلحه به دست گرفتند و جنگیدند و حتی مردان خود را که در مسیر مبارزه دچار تعلل و سستی شدند، تشویق و تهدید کردند و ایشان را بر سر غیرت آوردند و بالاخره در خطوط اول مبارزه جان خود را فدا کردند. آنگاه که شهید پیروزی کام ها را شیرین کرد و همه چیز در جای خود قرار گرفت، حتی آن دسته از زنان که به حقوق همجنسان خویش می اندیشیدند و درمان دردهای آنان راه مقابله با مشکلات را به خوبی می دانستند و تجویز می کردند، انتظار نداشتند که زنی هر چند تحصیلکرده و فهیم یا مبارز و رزمنده به عنوان وکیل مردم وارد مجلس شود، اما آن توقع را داشتند که زنان هم بتوانند مانند مردان، نماینده خود را که باید حافظ حقوقشان باشد، انتخاب کنند. اما این انتظاری بود که نه تنها برآورده نشد بلکه استدلال های که در مخالفت با آن از هر دو گروه فکری و سیاسی در مجلس ارائه شد، بیشتر موجب تاسف و تاتر شد. زنان عدالت طلب و مشروطه خواه به حق رای دست نیافتند و در کنار محجورین و صغار و دیوانگان قرار گرفتند. از فعالیت سیاسی منع شدند و حتی فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شان با محدودیت ها و ممنوعیت های روبه رو شد. با این همه مجاهدت های آنان موجب تأسیس مدارس دخترانه شد. مدرسی که روز به روز بیشتر مورد استقبال دختران ایرانی قرار می گرفت و به تدریج دامنه آن از تهران به شهرهای دیگر نیز کشیده شد. انجمن های زنان و بعدها نشریات زنان پشتوانه این اقدامات فرهنگی بود تا روزیت نرانی متناسب با نیاز زمانه شکل گیرد. فراموش نکنیم هر چند موفقیت های که زنان در این مقطع تاریخی به دست آوردند منبعث از فضای عمومی جامعه و انقلاب مشروطه بود اما واقع مشروطه طلبان و حاصل و عصاره این نهضت یعنی مجلس شورای ملی برای احقاق حقوق زنان و رشد آنان گامی برنداشت و حتی نسبت به مطالبات بحق ایشان بی اعتنایی کرد. همین امر موجب شد که ایشان از مجلس و روشنفکران قطع امید کنند و با تکیه بر بازی خود همه توان خود را برای درمان درد خویش که جهل و بی سوادی بود به کار بندند.

اکنون اما نسل جدید زنان ایرانی چندان با گذشته محنت آلود خود آشنا نیستند و سببی را که طی شده است تا امروز آنان بتوانند به تحصیلات عالیّه دست پیدا کنند، کمتر می شناسند. آنان خواندخواه میراث دار مبارزات و مطالبات اثبات شده طی یک سده از تاریخ کشورشان هستند. دورانی رفراز و نشیب که همیشه یا دیکتاتوری به تمامه حضور داشته و یا شیخ آن ترس و اضطراب در دل ها انگشته بوده است و حاکمیت دموکراسی آرزویی بوده که زنان نه تنها برای خود بلکه برای فرزندانشان و نسل آینده می کردند؛ دموکراسی در خانه دموکراسی در اجتماع.

نگاه

چرا آزادی را نمی توانیم حفظ کنیم؟

محمدحسین خورشیدی

جامعه ما اگر چه ظاهری مدرن دارد! جامعه ای کاملاً سنتی است. حکومت محمدها قاجار مصادف با جنبش های روشنفکری در ایران است. این جنبش ها

در حکومت ناصرالدین شاه اوج گرفت که حاصل آن انقلاب مشروطه بود و نهایتاً در دوره مظفرالدین شاه منجر به تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی شد. جنبش روشنفکری در حکومت دکتر مصدق نیز تکرار شد که در نتیجه ملی شدن صنعت نفت را در پی داشت. با شگفتی تمام هر دو جنبش شکست خوردند. علت شکست در ذات این جنبش ها بود.

اگر بگویم تنها علت ذاتی شکست، می توانیم بگویم مهمترین علت ذاتی شکست این جنبش ها تقاطعی فکر کردن رهبران این جنبش ها بوده است. رهبران این جنبش ها برای اینکه جامعه روحانیت و به تبع آن مردم را به صحنه بیاورند این چنین عنوان کردند که بین دین و مدرنیته هیچ تناقضی وجود ندارد و جمع بین دین و مدرنیته ممکن است. غافل از اینکه با این کار تیشه به ریشه خود و جنبش می زنند. زیرا در نهایت نه بین را خواهند داشت و نه دنیا را! در واقع ما ایرانی ها با تفکر تقاطعی مصادف می (خسر الدنیا و الاخره) شدیم! آخرت را در به دست نیاروریم هیچ، دنیایمان هم مانند آخرت یزید شد!! اگر کمی به مبانی دین و مدرنیته باذقت اندیشه تبیین ذاتی بین این دو آشکارا خواهیم دید. دین براساس اصالت خدا و در نتیجه زندگی جوادید در جهات آخرت استوار است. مدرنیته براساس اصالت انسان و در نتیجه بهروری تمام و کمال از این استوار است. در دین انسان باید فقط تابع وعی یعنی سخن خدا باشد و دنیا راه و مسافرخانه ای موقت است که از طریق آن به جهان آخرت می رسد تا در آنجا جادانه زیست کند. در مدرنیته اما همه چیز معطوف به انسان است. از اصل تریب موجودی است که حتی مطلقاً به اوست. (تامل در نظرات دکارت در این باب را می خوانید است.) انسان مدرن باید از دنیا جدا بکشد بهره برداری را بنماید. در دین انسان تابع یکسری قوانین ایزش تعیین شده است. در مدرنیته اما انسان بنابر مصالح خود قوانین را وضع می کند. متأسفانه کمتر کسانی به تبیین ذاتی بین دین و مدرنیته توجه کردند. شیخ شهید خدایی فضل الله نوی (در میان متدینین» از نوادی بود که با درایت این تباین را تشخیص داد و صادقانه آن را بیان کرد و چنان بر سر این صداقت نهاد. میرزا فتحعلی آخوندزاده در میان طرفداران مدرنیته نیز تنها کسی بود که این تباین ذاتی را به خوبی تبیین می کرد و در پایان آن (طالع) نام مشروطه ایرانی به این مسئله کمک بسیار می کند.)



صد نهاد



صد نکته